



2021/01/04



عبدالقیوم میرزاده

کتاب زنان و مشکلات فرا روی شان در جامعه افغانی نقش عقب نگه‌دارنده متولیان دینی و آموزه های نادرست دینی در برابر زن

(قسمت هفدهم)
پیوسته به گذشته

دین یا مذهب اساساً عبارت از مجموعه ای از باور ها، افکار و عقاید انسان ها برای بهتر زندگی کردن است. به عباره دیگر دین یا مذهب در بیشترین عمر موجودیتش رهنمای انسانها در شاهره انسانیت و قواعد انسانی بوده است و به همین ملحوظ در گذشته ها شاهان و حاکمان در عین زمان متولیان دینی هم بودند زیرا در آن زمان ها هنوز دولت های مدرن با قوانین پیشرفته تنظیم کننده امور اداره، مردم و کشور ها پا نگرفته بود و یا به باور دیگر دین مجموعه ای از روش ها و نظام های فرهنگی، باور ها و جهان بینی هایی است که با ایجاد نماد ها و سمبول ها انسان ها را به ارزش های معنوی و روحانی مرتبط می گرداند. و یا به زندگی معنی می بخشند، در بسا ادیان خاصاً در دین اسلام به هستی شناسی پرداخته شده و در باره ماهیت انسان و جهان هستی ایده های ناب ارائه داده اصول اخلاقی معین برای بهتر زندگی کردن انسان ها مطرح میدارد.

به قول الکسیس کارل Alexis Carrel (۱۸۷۳ - ۱۹۴۴) جراح و فیزیولوژیست مذهبی فرانسوی دین عبارت از وجدان انسان است که گاه و بیگاه انسان ها را متوجه خطا های شان می گرداند و چون مشعل فروزان در کج راهی ها و گمراهی ها به انسان ها یاری می رساند.

همچنان میتوان گفت که دین پس از ملت، دومین عامل احساس هویت انسان در جهان به شمار می رود. دین اسلام از همان منبع و اساسش بر محور انسانیت و محور عقلانیت بر نابرابری ها و اشرافیت آن زمان بنیان گذاشته شد، به قول حضرت محمد(ص) پیغمبر اسلام اولین آیه دینی (اقراء به اسم ربک الذی خلق) نازل گردید، یعنی بخوان به نام خدا(ع) که خواندن اثباتی است بر عقل محوری این دین و به نام آن خدایی بخوان که خلق کرده خلقت آفریده، که اثباتی است بر خلقت محوری و انسان محوری دین اسلام. ولی بعد ها متولیان یا تیکه داران اسلام سیاسی اشرافیت جدیدی را به نام اشرافیت دینی ایجاد کردند و از همان آغاز دین را منحیت وسیله مؤثر برای استحکام نظام مرد سالاری سوء استفاده کرده و با تحریف احکام دین در باره مساوات و برابری حقوق زن و مرد دین را به بیراهه کشانده و از آن بهره برداری های سیاسی کرده و برای آسمانی ساختن سلطه مرد سالاری و غصب غیر انسانی حقوق زنان و اهداف جهان گشایی و استعماری خویش دین را چون سلاح بُران محکم در دست گرفتند.

با آنکه دین اسلام در میان ادیان ماقبلش به نام دین صلح، مصالحه و سجاپای برتر انسانی و برابری حقوق انسانی یکسان برای مرد و زن شهرت فراوان داشت، هدايات پیغمبر اسلام حضرت محمد مصطفی(ص) مبنی بر اینکه بهشت

زیر پای زنان است، ننگ و عار بر دختران تازه متولد و کشتن دختران را حرام قرار داد و تجاوز به زنان را قدغن عمومی کرد، خرید و فروش زنان را در بازار برده فروشی و سیستم برده داری را حرام قرار داده و به مسلمانان امر آزادی برده هایشان را صادر کرد، او همچنان تعلیم را بالای مرد و زن یکسان فرض و امر خداوند (ع) معرفی کرد، او همچنان به زنان حق مالکیت، حق کار و حق انتخاب شوهر را طی دساتیر متعدد رسمیت قرار داد و خود در زمان حیات اش آنرا رعایت میکرد ولی در جاهاییکه اعراب این دین را که دیگر کاملاً غرض بهره برداری سیاسی مورد سؤ استفاده قرار داده بودند و بزور سر نیزه و بوسیله جنگهای خانمان بر اندازمنجمله در کشور ما افغانستان تحکیم بخشیدند اولین نشانه های حاکمیت شان همانا تحکیم سلطه مرد سالاری و ترویج فرهنگ تعدد زوجات و کنیز سازی زنان را شامل میگردد. یعنی به هر پیمانه که شخص صاحب اقتدار میبود به همان تناسب کنیزان بیشتر در حرم اش خدمت گذاری میکردند.

در کشور ما بنا بر وابستگی این دین به اعراب و سرداران عرب و تغذیه متداوم فکری پیشوایان، متولیان و مسئولین دینی از جانب اعراب در طول زمان موجودیت اش تا کنون به حیث وسیله بازدارنده انکشاف فکری، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و ظلم بی حد و حصر بالای مظلوم ترین قشر جامعه یعنی زنان مورد سوء استفاده قرار گرفته است. مردم ما را زیر نام مذهب کور کورانه برای تحقق سیاست های استیلا گرانه و ترویج فرهنگ عرب مورد بهره برداری قرار داده اند.

لشکر کشی های اعراب بیشتر به منظور تحت سیطره در آوردن سرزمین های بیشتر، وصول غنائم جنگی در این میان از همه مهمتر به اسارت گرفتن زنان منحصبت کنیز و مردان منحصبت غلام و برده مد نظر بوده است، که این سیاست تا همین اکنون به شدت جریان دارد. خبر نگاران و تهیه کننده گان فلم های مستند و خبری از کشور های دنمارک، بلجیم، سویدن و چند کشور دیگر راپور تاژ های غم انگیزی را از کمپ های مهاجرین افغان در پاکستان در سالهای واپسین دهه هشتاد و اوایل دهه نود میلادی تهیه کرده اند که در آن دختر فروشی سازمان یافته رهبران تنظیم ها را به اعراب در این کمپ ها به نمایش میگذارد. این کار در جریان جهاد افغانستان به شدت وجود داشت و با تأسف که تا اکنون در گوشه و کنار کشور ما جریان دارد. همچنان در جریان جنگ سوریه در لبنان و درکشور های افریقایی گزارشات مستند از مداخله اعراب بوضاحت نشان میدهد که در پهلوی اهداف ستراتیژیک اعراب در کشور های افریقایی و آسیا مسئله تحت سیطره قرار دادن زنان یکی از شاخص های اهداف این مداخلات میباشد. به این ترتیب متولیان دین اسلام در کشور ما که پیوسته از زبان، فرهنگ، باور ها و تاریخ عرب تغذیه شده و تعلیم میگیرند پیوسته فرودستی زن، وابستگی زن، ناتوانی زن، بی حقی و کم حقی زن تا سرحد انسان نبودن زن را در جامعه ما و در میان مردم از طریق منبر مساجد و خطابه های دینی و مدارس دینی افراطی تبلیغ میکنند که تأثیرات بس ناگواری را در ذهنیت مردم ما بجا گذاشته و سلطه مرد سالاری را روز تاروز در جامعه نا آگاه و کم سواد ما مستحکمتر میگرداند. با آنکه بر اساس سنت های بومی از گذشته های دور باور های دینی و فرهنگی مردم ما مادر اسطوره تقدس و نماد مقدس و قابل پرستش بوده است اما با این تبلیغات دینی باور های مردم دگر گون شده و بر سیطره جامعه مرد سالار عمر طولانی تر میبخشد. این تلقیات و تفسیر های تحریف شده و نادرست متولیان دینی از احکام دین اسلام برای تحکیم سلطه مرد سالار در جامعه ما باعث شده است که مفردات انسان اندیشانه دین اسلام که برای آزادی زن و برابری حقوق زن بیان گشته است نیز در کلیت زن ستیزی دین اسلام مفقود گشته و این دین را در جامعه در بست دین زن ستیز معرفی میدارد. در اسلام محافظه کاران مذهبی با تحریف آیات قران عظیم الشان و احادیث نبوی، موقعیت زن را فرودست و نابرابر نسبت به مرد معرفی میدارد و با روشهای چند همسری و تعدد زوجات، ازدواج های نابرابر، نکاح نابرابر، شرایط نابرابر طلاق، میراث نابرابر، شهادت نا برابر، حقوق نابرابر

در داشتن املاک، حقوق نا برابر در سیر و سفر، حقوق نا برابر در کار و اعمال روز مره در زندگی زن محدودیت وضع کرده و همه این نابرابری ها را به حکم شریعت و احکام دین بر جامعه تحمیل میکنند. که هیچ عالم دین نمیتواند خود را از این جال عنکبوت تفاسیر سنتی و محافظه کارانه زن ستیز دین که طی قرون متمادی اعراب و اعجام آنرا به حیث حکم قرآن به مردم تبلیغ کرده اند وار هاند. با آنکه عده از تیئولوگ ها و دانشمندان اسلام شناس سعی بر آن دارند تا در جریان مدرن سازی اسلام نظریاتی را غرض حقوق برابر برای زن و جایگاه اجتماعی اش مطرح کنند اما این نظریه پردازی ها تا زمانیکه پوتانسیل و ظرفیت های اجراییوی نداشته باشد باور های مردم را به خویش معطوف نمیدارد.

باور بعضی از جامعه شناسان این است که در دین اسلام و سایر ادیان سماوی هیچ نوع محدودیت برای زنان مبنی بر مشارکت شان در کلیه عرصه های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی وجود ندارد. زیرا در شبه جزیره عرب قبل از ظهور اسلام دختران تازه متولد را زنده بگور میکردند، فرهنگ تعدد شوهران و تعدد زنان یا بعباره دیگر چند شوهری و چند زنی قبل از اسلام وجود داشته است و با ظهور اسلام زنده بگور کردن نوزادان دختر قدغن شد و پرداخت مهریه برای شوهر الزامی گشت و زنان حق مالکیت و میراث را پیدا کردند که قبل از اسلام زنان در جوامع اعراب و سایر حصص جهان از این حقوق برخوردار نبودند. اما توماس ای. سپرینگز **Thomas A. Sprangens** (۲۵ اپریل ۱۹۱۷ - ۱۱ فبروری ۲۰۰۶) استاد علوم سیاسی در پوهنتون های امریکا و در بین سالهای ۱۹۵۷ تا ۱۹۸۵ رئیس سنتر کالج امریکا و نویسنده کتاب فهم نظریه های سیاسی و اجتماعی که نظریات بسیار مبسوطی در باره نظریه پردازی های سیاسی - اجتماعی و اقتصادی ارائه کرده است و راه های خوشبختی انسان را در آن نشانی کرده است در این باره میگوید:

"در جوامع اسلامی و جوامع سنتی « مرد نان آور و زن خانه دار» شناخته میشود، وظیفه و اولویت اول زنان را امور مربوط به خانه داری و مراقبت از کودکان بوده و همین نظام تقسیم کار نا عادلانه باعث کاهش مشارکت زنان در بازار کار میشود. از اینرو، ساختار خانوادگی (تعداد فرزندان خردسال یا افراد مسن، تعداد مردان بزرگسال در خانواده و...) بر میزان اشتغال زنان در تأکید بر مؤلفه های فردی متأثر از فرهنگ دینداری را عامل تأثیرگذار است."

از نظر سپرینگز اختیار زنان از موقعیت هایی که در آن مردان حضور دارند و اثر متقابل آن با کناره گیری از این فضا محرومیت هایی ایجاد میکنند و این باعث میشود تا در کشورهای اسلامی مردان برای حضور زنان در فضای عمومی محدودیت هایی وضع میکنند که به طور سیستماتیک این قشر از بازار کار حذف شوند. همچنان با طرح القاب بسیار عاطفی زن را مسئول حاملگی، اوشنک داری و نگهداری فرزندان و بزرگسالان خانواده تعیین مسئولیت میکنند.

مردان نه تنها خود به این مأمول مبادرت میورزند بلکه دین و آنهم دین رادیکال و بنیاد گر را که با هر نوع ارزش های جامعه مدرن و پیشرفت و ترقی در مخالفت خونین قرار دارد به کمک خویش گزیده اند. با آنکه انتونی گیدنز **Anthony Giddens** (۱۹۳۸) فیلسوف و جامعه شناس انگلیسی به این باور است که جامعه دیموکراتیک مدرن بالاخره بر تاجر و سنت فایق می آید و در آخر کار پیروزی از آن مدرنیته و دیموکراسی است. اما در کشور ما که اکثریت باشندگان آنرا مردم باورمند کور کورانه به مذهب و سنت پذیر اند و در سالهای اخیر حکومت ها هم بی ثبات، دست نشانده و فساد گستر بوده اند، آماده ساختن بستر فرهنگی و مردمی برای ترتیبات جامعه مدرن و رهایی زن در این بستر از مردسالاری و استبداد مذهبی بنیاد گر کاریست بسیار دشوار که مستلزم بیداری و آگاهی مردم میباشد. بنیاد گرا های افراطی مذهبی در شرایط موجود کشور ما با استفاده از اختیارات قانونی مبنی بر آزادی بیان

عده قابل توجه مردم ما را که بنابر خصلت فطری قانون گریز و متمرّد هستند در زیر لوای مدارس مذهبی و اندیشه های افراطی مذهبی دقیقاً در مقابل مدرنیته و پیشرفت قرار میدهند و از آنها هر روز طالب سازی میکنند که فقر و تهیدستی مردم نیز رول با اهمیتی را در این زمینه بازی میکند.

همچنان یکی از زنان پیشتاز مصری نوال السعداوی در طلیعه اثر مشهور خود چنین مینگارد: «رنج مشترک ناشی از میراث استعمار های کهنه و نو با نامهای استبداد داخلی و خارجی همدست استعمار و دشمنی خلق ها، را در تاریخ مشترک مان احساس کردم. ما همچنین از موقعیت نازلی که در جوامع اسلامی ما بر زن و بخاطر زن بودنش تحمیل شده مشترکاً رنج میبریم. بسیار اند کسانی که سعی دارند موقعیت نازل اجتماعی زن را به حساب اسلام بگذارند. ولی اسلام در جوهر خویش داعی بسوی عدالت، آزادی و برابری بود، امتیاز بین زن و مرد و عرب و عجم را نفی میکرد. این جوهر انسانی است.» نوال السعداوی منحصی طیبی مهربان با نمونه های فراوان زنان و خانواده های آنان مواجه شده و با تحلیل واقعیت هایی که ناظرش بوده نگاشته است او در یافته که نباید مسایل زنان را تنها از دید مذهب و یا در محدوده خانه و پرورش اطفال مورد ارزیابی قرار داد بلکه مسئله زنان مستلزم انست تا آنها را از اعماق ریشه های اولی فرهنگ مرد سالار مورد کاوش و پژوهش قرار داده و راه های اساسی برای دسپایی زنان منحصی انسان آزاد، کامل الحقوق جامعه جستجو و دریافت کرد.

اکثریت جامعه شناسان، مردم شناسان و علمای علم اقتصاد به این باور اند که در جهان ما بنای هر تمدن، ترقی، پیشرفت و رفاه هر کشوری صد ها عامل گوناگون و بسیار بخرنج ملی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و اتنیک داشته که برای هر کدام رئوس جداگانه و همانطور بخرنج و پیچیده در کار است اما یک چیز در همه این عوامل کاملاً مشهود است اینکه نیمی برابر این همه عوامل مربوط زن بوده و آن نیم دیگری که مربوط مردان هم میگردد که آنها هم از این نیمه بحیث مادرش متأثر میباشند. تاکنون در کشور ما این حلقه مفقود بوده و سیاست کاران، نخبگان امور اجتماع و مسئولین کشور ما بنابر دلایلی که در مباحث بیشتر از آن ذکر کردم و طی عنوان های بعدی بشرح بیشتر آن میپردازم به آن توجه جدی مبذول نداشته اند. امروز نیز متولیان دین و سنت گرایان مذهبی بدون توجه به این درد جانکاه اجتماعی یعنی زدودن نیم پیکر بسیار ارزشمند جامعه یعنی زنان از مشارکت در کلیه امور زنده گی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی منحصی موجود متساری الحقوق که بلاثر آن همه جامعه معیوب گشته و در زیر چتر معیوب جامعه همه جامعه و خود متولیان دینی و سنت پسندان مذهبی هم رنج میکشند ورنج میبرند اما بنابر فرهنگ حاکم مرد سالار این جامعه پر از ذلت، اختناق و رسوایی را قبول کرده و هنوز هم فتوی های غیرشرعی را در قلب شرع به مردم بازگویی میکنند. یعنی یقیناً عوامل باز دارنده ای را سیستم حاکمیت مرد سالار در جامعه نهادینه کرده است و یا نهادینه میکند که مشارکت زن در اجتماع را زیر تأثیر مذهب، عواطف، احساسات و سایر عامل ها مانع گردد. پایان قسمت هفدهم (ادامه دارد)



[برای مطالب دیگر عبدالقیوم میرزاده، بروی عکس کلیک کنید](#)